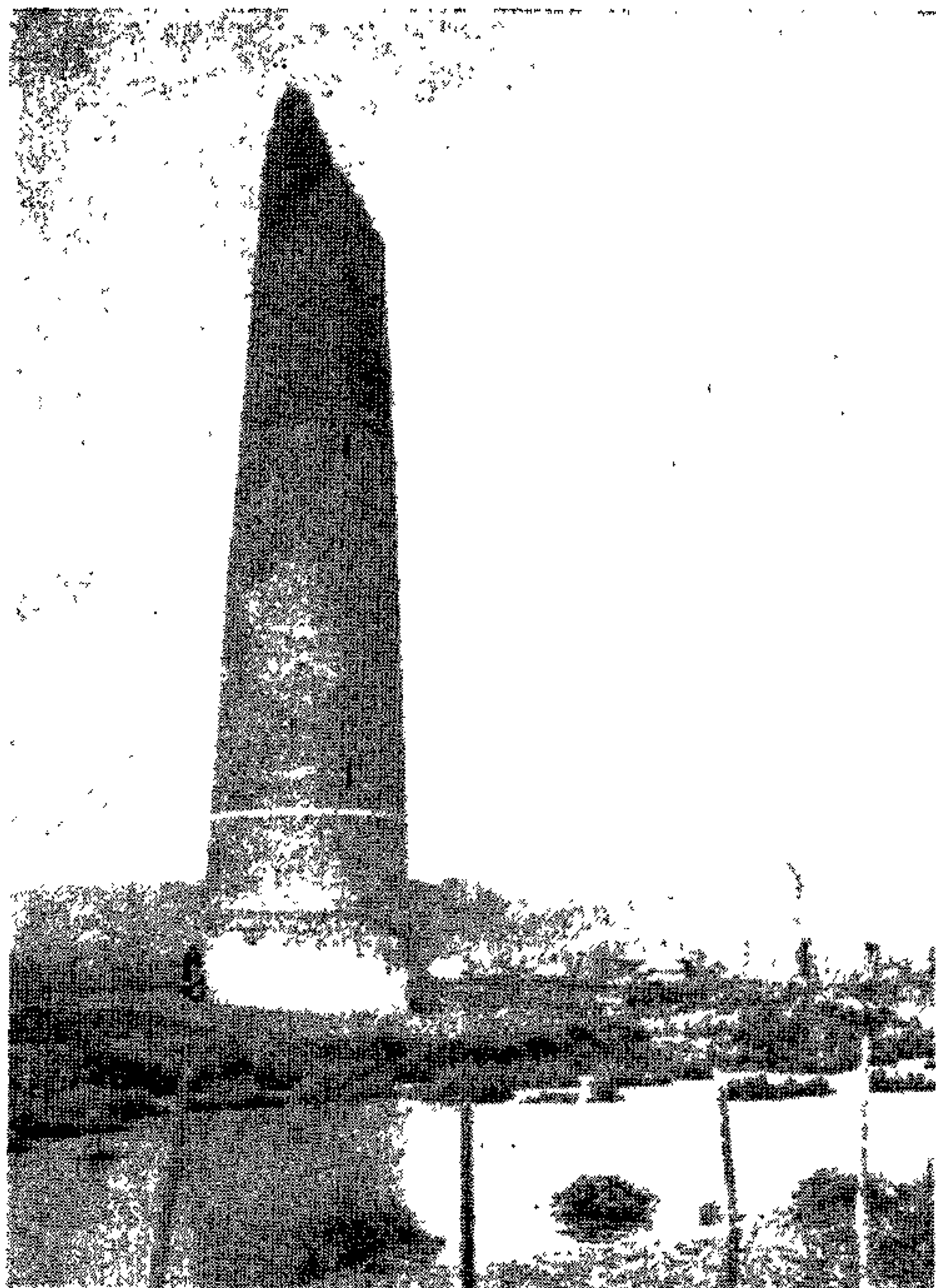


عکس شماره ۱۰۱ - صریح امامزاده سید محمدحاجان در ضیاء گسگر



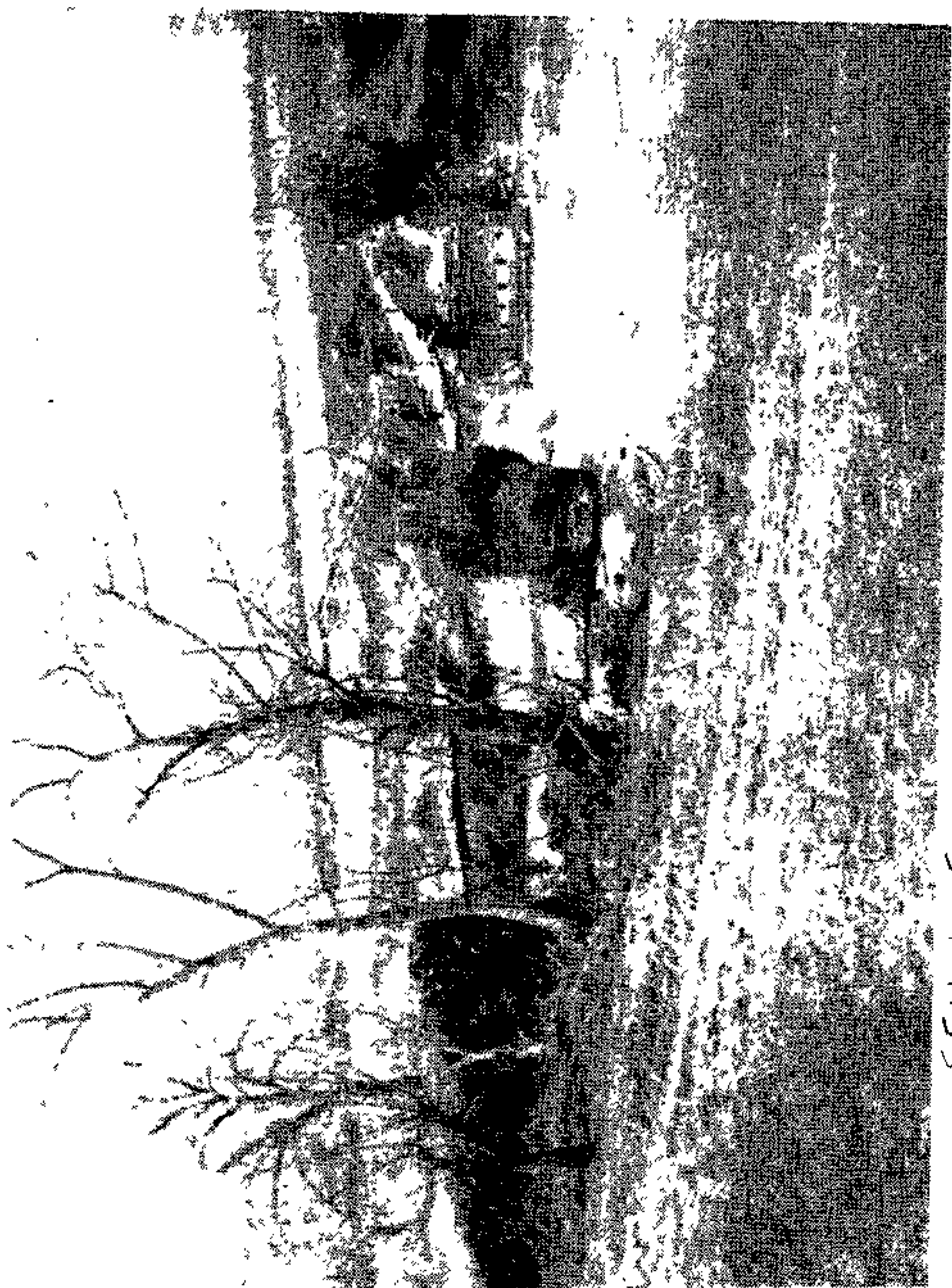
عكس شماره ۱۰۲ - سنگ قبری در محله اروم سادات بهمن



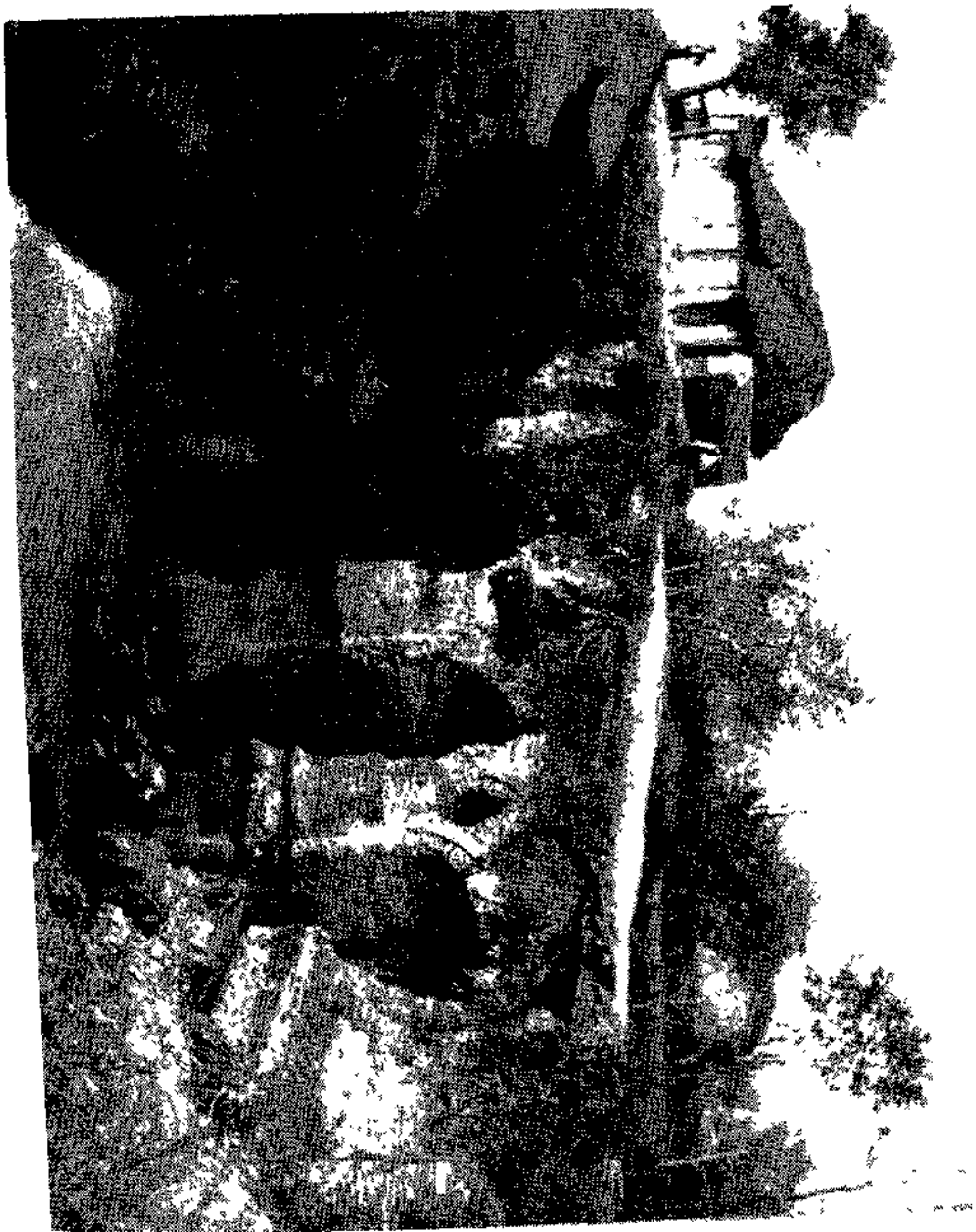
عکس شماره ۱۰۳ - مناره آجری درمناره ناراد گسکر

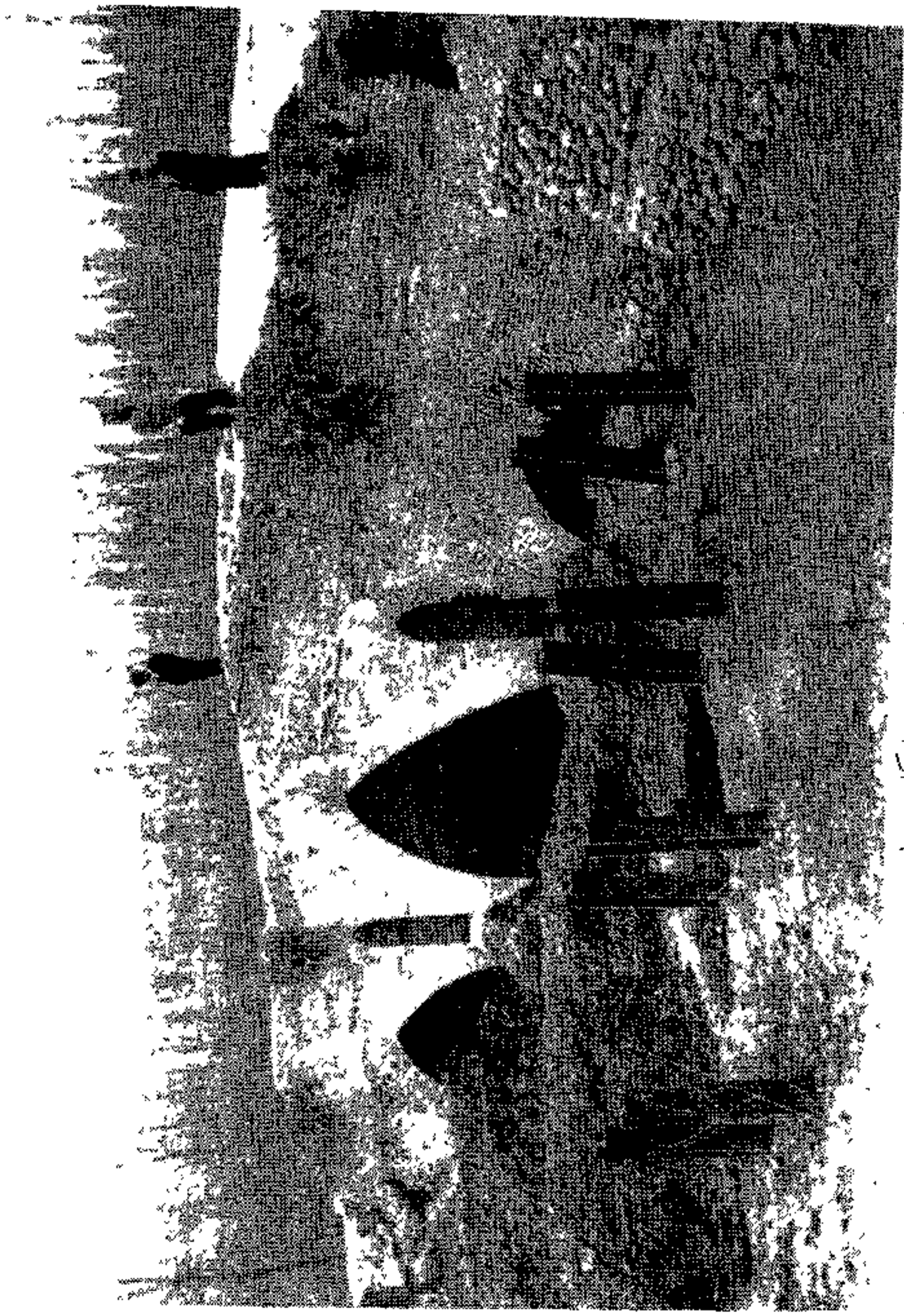


عکس شماره ۱۰۴ - دهانه اصلی پودس یا حثت جل در کوه بزرگ شماره بازار کسک.



عکس شماره ۱۰۵ - نمای دو دهانه نافی مانده از پودس یا حشمت پل برد که در شماره ماوار کسکو





عکس شماره ۱۰۷ - نمای خمومی تل کار رودبار



مکس شماره ۱۰۸ - نمای شمالی پل کار رودبار



عكس شماره ۹۰۹۱ - پل کوچکی ردیك طاهر كوراب

بخش دهم

جغرافیای تاریخی شفت

شفت در جنوب عربی رشت است ، نیمی از آن دشت و نیمه‌ای کوهستانی است . از شمال به ورزل ، از مشرق به رودبار ، از جنوب به تارم و از غرب به ماسوله و فومن محدود می‌شود .

صاحب مسالك الابصار شفت را موطن شیخ عبدالقادر کیلابی می‌داند و می‌نویسد ساکنان آن حنبلی مذهب‌اند . امیران شفت کم و بیش زیر لوای سلاطین فومن بوده‌اند .

خانان شفت غیر از چندتنی اراهل سروار خراسان‌اند پاره‌ای ایشان را از طایفه چگنی قزوین می‌دانند و می‌گویند که اینان با حيله و ترویری نظیر حيلة حسن صباح اراصی این بخش را به دست آورده‌اند . طایفه خانان را « پیار مسلمان » می‌خوانند و می‌گیرند که یکی از اجداد ایشان بیازی را دید که بر نام گالی بوش خانه‌ای روئیده است . فریاد بر آورد « بی شک خدائی وجود دارد » و فوراً مسلمانی را برگیرد خانها هنوز (تا زمان رابینو ۱۳۳۱ قمری) حکومت را در دست دارند ، ولی نفوذ زیادی بر ساکنان محل ندارند . سابقاً مرگ شمت به نام گوراب شمت خوانده می‌شد و نزدیک دهکده نصیر - حائه امروزی قرار داشت محل گوراب شمت در محل گورا کیش (= گوراب - کیش) است که حرا به‌های آن را حنگلی اسوه از شمشاد پوشانده است

مرکز مهم و محل اقامت خان شمت ، کمسار است که در سه کیلومتری جنوب تنکرم (مکسر تاء و راء) قرار دارد در زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) دو مسجد و دو حمام خراب و دو یست باب حابه ، در میان باغستانی سرسبز برد و کناره

رودخانه لیفکو خندان داشته است. خانه‌های خان نشین آن روزی زیبا بوده است اما به علت اینکه خاندان محل در رشت اقامت کرده‌اند خانه‌ها نیز روی در خرابی دارند. کمسار به چهار محله تقسیم می‌شود: ۱ - شیخان محله. ۲ - سرخان محله. ۳ - کمسار محله. ۴ - کوچک کمسار.

جمعیت شفت در زمان رابینو هزار و هفتصد و هشتاد و شش خانوار بوده است اکثر این جمعیت گیلک‌اند و غیر از چند تنی مابقی بیلاق و قشلاق ندارند. تعدادی کالش و تالش در دهکده‌های ارتفاعات ساکن هستند و با تغییر فصل بیلاق و قشلاق می‌کنند. ساکنان دهکده‌های دشت به زبان گیلکی و مردم کوه‌نشین به زبان تالشی گفتگو می‌کنند. هر دو گروه شیعی مذهبنند. (۱)

بقعه امام زاده ابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام (۲)

در دهکده طالقان (۳) شفت

روستائیان اطراف، برای این بقعه احترامی بیش از اندازه قائلند، تا حائی که می‌گویند کسی را یارای آن نیست که در این ده دزدی کند. حتی آقاخان - راهزن معروف - نیز بسیار پایبند احترام به این امام زاده بود! محمدعلی گیلک درباره دهکده طالقان و بقعه آن می‌نویسد: «از آثار قدیمه قریه طالقان یکی بقعه امام زاده ابراهیم است که در ده‌های آن منبت کاری است.» (۴)

حسن شمس گیلانی می‌نویسد: «شرح حال امام زاده ابراهیم در دست نیست ولی آنچه بین گیلانیان معروف است، این است که آن بزرگوار فرزند موسی بن جعفر علیه السلام است. کرامات زیادی از آن سید حلّیل مشاهده شده. اطراف

(۱) گیلان رابینو ص ۱۹۷ تا ۱۹۸ (۲) از امامزاده تامانارکاب شش کیلومتر وار مانارکاب تا چوبرشفت بیست و چهار کیلومتر است، (۳) طالقان، ده از دهستان شفت بخش مرکری شهرستان فومن، سی و یک کیلومتری جنوب شرقی فومن و دو کیلومتری جنوب شرقی شفت ریارنگاهی به نام امامزاده ابراهیم برادر امام رضا علیه السلام دارد که در چهار کیلومتری جنوب این آبادی است و ریارنگاه قراء اطراف است (فرهنگ جمع‌آوریاتی) (۴) کتاب شیخ راهد گیلانی ص ۱۱۳.

این قصبه را کوههای مرتفع و جنگاها محاصره کرده است و این محل اکنون زیارتگاه قراء اطراف محسوب می گردد و هر ساله در اواخر بهار و اوائل تابستان که آب و هوای آن نقطه مساعد از برای زیارت می باشد، اهالی رشت و سایر شهرها، بدان صوب عزیمت می نمایند. « (۱)

سای اصلی شامل مسجد و انباری در طرف جنوب که هر دو به طول هشت متر اند. اطاق مستطیلی به طول دوازده و عرض هشت متر که صحن امامزاده است و ضریح در این اطاق است. اطاق متولی که میان کفش کن و این صحن است و آخرین قسمت شمالی کفش کن است. ضریح مشبک و از چوب آزاد ساخته شده است. طول آن $2/80$ متر و عرض آن $1/52$ متر و ارتفاع تا وسط سقف گهوارهای شکل مشبک $1/75$ متر است. چهار ستون در چهار کعبه صریح بدون نظم و ترتیب قرار دارد و دوسرناں بر آنها تکیه دارد. محفظه عالی بالای صریح که منتهی به گنبدی مدور می شود، بر این سرناها ساخته شده است. مقطع دوستون چهارسو و مقطع دوتای دیگر دایره است. حمالی سراسر بنا کشیده شده است که بر روی یکی از این ستونهای و پایه های سیمانی متکی است و واشانه های سقف بر این حمال تکیه دارند. سراسر سقف لیمه کوبی و بام حلب سر است.

بقعه امامزاده اسحق و خواهرس خیر النساء

یا فاطمه صغری فرزندان امام

موسی الکاظم علیه السلام

امامزاده اسحق در کوههای جنوبی شعت است. راه آن از شعت ده - آسماوندان (= عتماوندان) و احمد سرگوراب و بصیرمحلله و گنجدار (بفتح گاف) و گندم آرد و کبودسر (بفتح سین) و سوتنه و سردشت (بکسر راء) و سیابیل گنده می گذرد و به امامزاده می رسد.

بنای اصلی شامل اطاقی به شکل مربع مستطیل، به طول ۹ متر و عرض

۷ متر است . غیر از مسجد مجاور که طرف شرق بنا شده است . ضریح این خواهر و برادر که پهلوی یکدیگر به خاک سپرده شده اند در کنج جنوب غربی است . طول این ضریح مشبك ۲/۵۳ متر و عرض آن ۱/۳۷ متر و ارتفاع آن تا ریز گهواره طاق ضریح ، يك متر است .

سراسر سقف اطاق لمبه کوبی است ، اما قسمت بالای ضریح بازو گنبدی مدور روی آن ساخته اند و سراسر نام از بالا حلب پوش است .

در طرف غربی صحن ، سه ستون چهارسوی قطور و طرف شرقی چهار ستون به همان قطر و روی تمام ستونها سرفالی چهارسو تکیه کرده است . طول مسجد متصل به صحن ۹ متر و عرض آن شش متر است و فاصله میان صحن و مسجد پنج لنگه ارسی چوبین و يك در ورودی میان ارسی دوم و ارسی سوم است . دیوار شرقی مسجد پنج لنگه ارسی است و سه پنجره به خارج دارد . در ورودی صحن شمالی است و از کفش کنی وارد صحن می شود . دو شاخ کنج گاو (= گورن) بر بالای دو ستون نصب شده است و سنگ مرمری که شکل جای پائی بر آن است و معروف است که جای پای امامزاده اسحق است در صحن دیده می شود .

از هومن تا نصیر محله بیست کیلومتر و از نصیر محله تا امامزاده اسحق هیجده کیلومتر است

مزار شاه درویشان

در تکریم (۱) شفت ، کنار رودخانه پسیخان

بنائی چوبین و قدیمی است ایوانی به ابعاد پنج متر طرف شمال است . جلو ایوان ، راهروئی به عرض يك متر است . دیوارهای اصلی بنا ، زگالی ، سقف سراسر بنا ، و اشان کشی ، لمه آن يك پشته و نام سعال سراسر است . این بنا در سمت راست رودخانه پسیخان و بر بالای تپه ای مسلط به رودخانه ساخته شده است اطراف آن گورستانی قدیمی است و درختان آزاد کهن سال بر این مرار سایه انداخته اند .

مزار شاهزاده احمد و قرآن نه منی آن در چماچای (۱) شفت

برای رسیدن به مزار شاهزاده احمد باید از شفت به شالده و حاجی آباد و برزخندان (۲) و نکر و حیرده و بیالوا و خرطوم و خلیلان و چماچا رفت این راه از دامنه و سرپیه‌هایی کوتاه که پاره‌ای از آنها جنگلی و بیشتر آنها به ناعهای چای تبدیل شده‌اند می‌گذرد و مناطری بسیار دلپذیر دارد بناهای بقعه و مسجد قدیمی آن را خراب کرده و بوساری کرده بودند ارسی های قدیمی بنا را در سقف بقعه به کار برده بودند. دو ستون لاچ لنگری بسیار طریف میان ستونهای ایوان دیده می‌شد که قدمتی داشت.

رابینو این بقعه را به نام امامزاده نعمان می‌خواند و از قرآن کوفی قدیمی آن که در سال ۱۳۳۱ قمری در این بقعه بوده و امروز نیز هست یاد می‌کند (۳) اغلب قرآنهائی که در این گونه بقاع بوده، ارمیان رفته است. خوشبختانه این قرآن، در این گوشه محفوظ و سالم مانده است. تنها سر لوحه و همت صفحه ابتدای آن و یک صفحه از آخر افتاده است که فعلاً با خط خوش مسح از نو نوشته و سپس شیرازه‌بندی و صحافی کرده‌اند از حلد قدیمی آن اثری باقی نبود. مشخصات این قرآن کوفی معرب به قرار زیر است

سر سوره‌ها مجدول و مطالاست و سر آیات گل و تته و مطالاست طول صفحات ۳۶ سانتیمتر و عرض آنها سی سانتیمتر است طول متن ۲۹ سانتیمتر و عرض آن ۲۴ سانتیمتر و هر صفحه شامل ۱۵ سطر است قطر این قرآن بالغ در هفت سانتیمتر و نیم است. معروف است که ورن تمام قرآن به من و ورن یک برگ آن نیز نه من است احتمال می‌رود که نعمان تعبیر شکای از به من باشد

بقعه سید احمد و سند ابوالقاسم

در نهزم (۴) شفت

ننائی است آحری و قدیمی کرسی بلند که ارتفاع کرسی آن به دو متر

(۱) به صم چ (۲) به صم باء و سکون داء و کسر داء (۳) کیلان رابینو ص ۲۰۳

(۴) مکر نون و صم داء



می‌رسد. طرف شرقی بنا، ایوانی به طول ۱۲ متر و عرض چهار متر است. اطاقی که صریح این دو تن در آن است مربع شکل و کنجهای آن تقریباً نیم دایره و دارای پنج ضلع اصلی است. طول و عرض این اطاق ۷ متر و در وسط آن صندوقی ساده و قدیمی است که طاق آن گهواره ایست. سقف سراسر بنا لیمه - کوبی با درزیوش ساده، لته بام سه پشته و نام سفال سر است. مأذنه‌ای چوبین در کنج جنوب غربی بناست که از راه پله‌ای جداگانه به بالای آن می‌روند. طرفین بنای اصلی بقعه دو اطاق است که در ورودی آنها در ایوان شرقی است و به خارج نیز در و پنجره هائی دارند. در ورودی بقعه شمالی و جنوبی است که ابتدا وارد ایوان می‌شود و سپس به اطاق وسط و دو اطاق طرفین می‌رود. مدخل پلکان مأذنه جنوبی است (عکس شماره ۱۱۰)

مزار سالوك (۱) معلم

در اللهوردی محله قشلاق شفت

اللهوردی محله نام چند در خانه است که کنار مزار سالوك معلم ساخته‌اند. مزار سالوك معلم بر قلعه کوهی است که از فاصله ای بسیار دور نمایان است. ابوالقاسم دامی تاریخ سلطان سالوك معلم را نوشته است که بر آن زیاد اعتمادی نیست (۲) بنا بر گفته او سالوك معلم پسر وهب بن منبه، از منسوبان پیغمبر علیه السلام بوده است پس از فوت امام رضا علیه السلام در سال ۲۴۷ قمری، سالوك در گیلان مقیم شد و در تارم به هفت هزار تالشی و دیلمی ملحق شد. مخالفان را پای قلعه شمیران شکست داد و از راه ایمان آباد به کهدم درآمد. در کرکره دشته اردوگاه ساخت این محل بعداً به لشکرگاه معروف شد. در آنجا سران طایفه عماك مانند ملك عباس بن ملك شیرویه لاسکی و ملك دولت بن ملك الماس سفید مرگی مطیع او شدند ابوالقیس خارجی که در این وقت حاکم

(۱) در عربی صعلوك شده است و امروز سالك معلم گویند (۲) این کتاب را نگارنده بیافت ولی از عماراتی که رابینو از آن نقل کرده است نظیر کتاب شرح حال سیدحلال الدین اشرف و بحر الاسان ساختگی است

گیلان بود، لشکر کشید و فاتح شد و سالوک معلم سپس به کوهستان خیر سنگ (بفتح خاء) آمد و در آنجا انزوا اختیار کرد و به عبادت پرداخت. در سال ۲۸۰ قمری فوت شد و در محلی که رزش نام داشت به خاک سپرده شد. (۱)

امروز مرار سالک معلم بر بالای بازوی کوهی به نام «خیر سنگ» است. بنای اصلی بقعه، زگالی است که میان آن صندوقی مشبک ساده است در وردی آن قلبی است. طاق سراسر بنا و اشان کشی و از روی و اشانها پل کوبی است و سراسر بنا حلب سر است.

بنای دیگری در حلکه، نزدیک بقعه سالوک معلم است و به نام بقعه معلم معروف است. بنای اصلی زگالی است و طرف شمال آن ایوانی به عرض ۱۵۵ سانتیمتر دارد. در هر طرف جنوب و شمال بنا چهارستون چهارسو و هر طرف شرق و غرب آن پنج ستون است. سرستونها نسبتاً قدیمی است در وردی بقعه شمالی است ابتدا به ایوان وارد می شود و سپس به بقعه می رود صندوقی چوبی ساده در وسط بناست سقف سراسر بنا و اشان کشی و از روی کوبی است

قلعه شاه بقال

درقریه بداب (= بداو)

عبدالفتاح قومنی می نویسد که مردی سرشناس به نام شاه بقال در خدمت علی بیگ سلطان ورید میسر بوده است (۲) معلوم نیست که این قلعه را همین شاه بقال ساخته، یا قلعه ای قدیمی در این محل بوده و به نام خود خوانده است تپه ای که آثار این قلعه بر آن است، امروز به نام شاه خال معروف است (۳) و کنار نهری به همین نام است که از مشرق قریه بداب می گذرد درختان قطور آزاد و جنگل کیش این محل را فرا گرفته و کم و بیش آثار بنا را محو کرده است.

(۱) گیلان راینو ص ۲۰۳ و ۲۰۴ (۲) گیلان راینو ص ۲۰۴ و ۲۰۵ (۳) درمان راینو سال ۱۳۳۱ قمری به نام «شاه بقال» معروف بوده است (گیلان راینو ص ۲۰۴).

خرابه های چوبر و شاه نشین کنار دهکده های چوبر و شاه نشین شفت

بر سر تپه های طبیعی که ارتفاع آن ارشالی زارهای اطراف بیش از هفتاد متر
بیش و سطح بالای آن در حدود يك هکتار است ، روزی بر قسمتی از این اراضی
ساختمانهای قدیمی بوده است در حدود نود سال پیش حسینقلی خان نامی از آحرهای
این بنا ، بنائی دو طبقه برای خود بر بالای تپه ساخته است . این بنا تا امروز
بر پای است . آحر های بنای فعلی به ابعاد بیست و يك سانتیمتر و قطر چهار
سانتیمتر است آثار سه چاه در بالای تپه بود که یکی از آنها تقریباً پر شده بود

قلعه کل

در چوبر شفت

این قلعه در ديك کوه ار به لنگه (۱) در تپه های مرتفع قرار داشته است بر
این تپه آحر و سهال فراوان دیده می شود فاصله قلعه کل تا شاه نشین تقریباً يك
کیلومتر است

دیوار قدیمی اسکندرکان (۲) (= اسکندر کل)

در شفت

در دو فرسخی جنوب امامزاده اسحق راهی است که به بیلاق روح عنبر و
از آنجا به تارم می رود این دیوار در سمت چپ بادر شرق این راه است دیوار از
سنگ نادر بنا شده و ملاطی خاکستری رنگ دارد درارای آن در حدود پانصد
متر و ارتفاع آن تا چهار متر است می گویند تاریخ بنای آن به زمان اسکندر
دوالقرن می رسد

ساختمانهای حکومتی

در کمار (۳) شفت

بیشت باب ساختمان آحری با پنجره های ارسی و شیشه های رنگین که

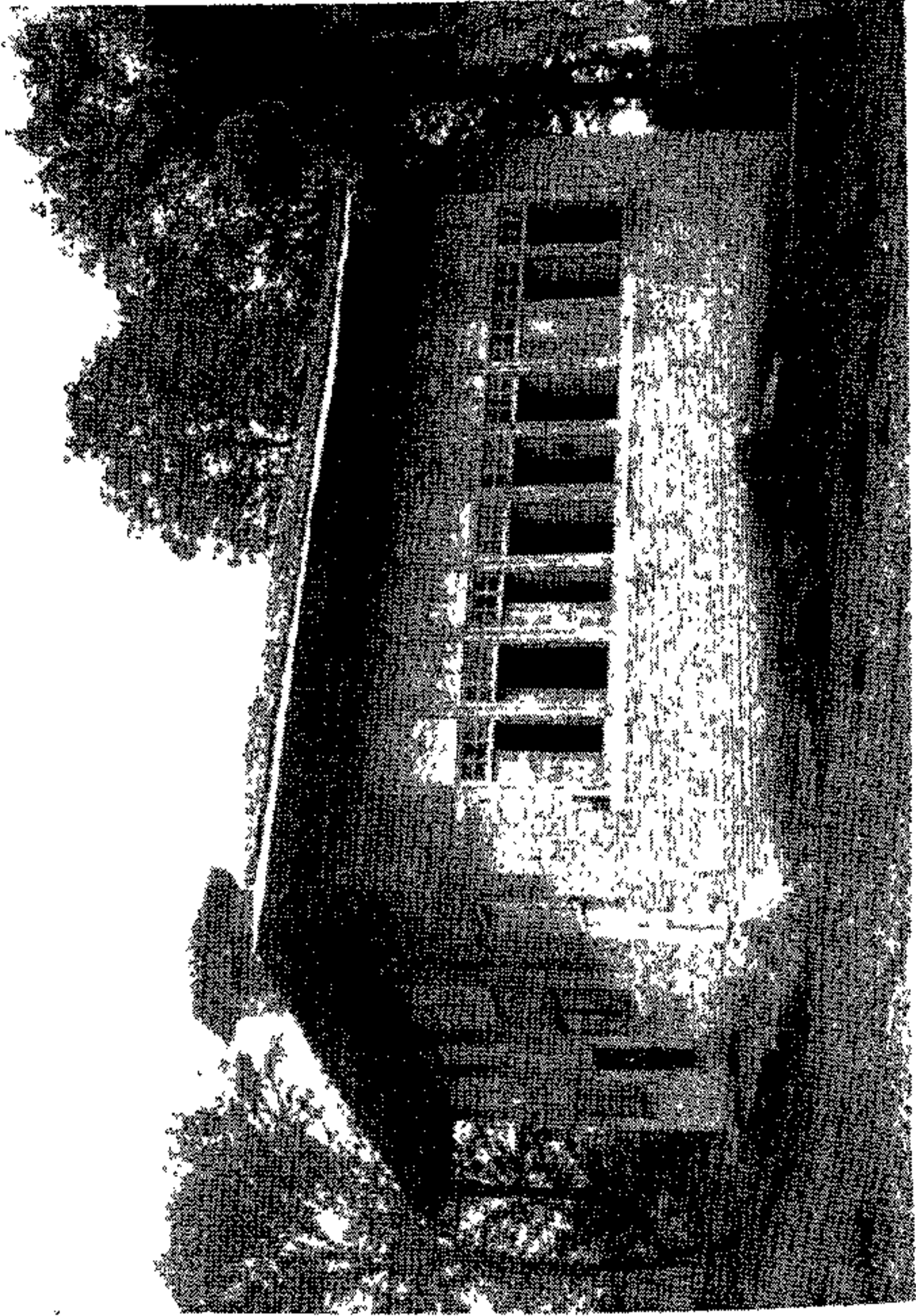
(۱) بفتح الف و سکون راء و فتح باء (۲) مکسر الف و سکون سین و فتح کاف و دال در گیلان
زابیو ص ۶ + ۲ نام این دیوار آمده است (۳) بصم کاف ده ار دهستان شفت بخش مرکزی
شهرستان قومس شاردن کیلو متری شرق قومس شش کیلو متری جنوب شرقی بازار رشت
(فرهنگ جغرافیائی)

نمودار هنر دوران قاجاری است در این دهکده هنوز برپاست . بیشتر آنها روی در خرابی دارد . راینو نیز از این بناها یاد می کند و می نویسد صاحبان آنها به رشت رفته اند و خانه ها متروک افتاده است . (۱) معروف است که جد خاندان خانهای محلی شفت از چیکین منجیل آمده و نظیر حسن صباح به اندازه پوست گاوی زمین از اهالی خواسته است . سپس پوست گاو را کشیده و دوال کرده بر سراسر اراضی کمسار کشیده و تصاحب کرده است .

سایر بناها و آثار تاریخی بخش شفت

- ۱ - بقعه آقا ملاعلی در دهکده کمسار
- ۲ - بقعه آقا عزیز در میرسرای چوبر .
- ۳ - بقعه حاجی علی آقا در دهکده چوبر
- ۴ - بقعه آقا نورسهن سر راه چوبر به دژاژ .
- ۵ - بقعه حاجی مؤمن در خرطوم .
- ۶ - بقعه درویش جعفر در پشتسرای شفت .
- ۷ - بقعه آقا ذل پیر (۲) در ذل پیران .
- ۸ - بقعه پیر مختار در احمدسرگوراب .
- ۹ - بقعه سلطان پیر حسن در پیرسرا (= مؤمنسرا) .
- ۱۰ - مسجد قدیمی کمسار .
- ۱۱ - گورستان قدیمی غیر اسلامی در بیلاق دگرد (۳) .
- ۱۲ - گورستان قدیمی اسلامی و غیر اسلامی در سیا چپ .
- ۱۳ - گورستان لاس پشت رو بروی اسکندکن (= اسکندرکل) گورهای این گورستان از سنگ تراشیده است و سمت قبلی نیست .

(۱) کیلان را بنام ص ۱۹۸ (۲) هم ذال . (۳) بفتح دال و کاف



عکس شماره ۱۱۰ - بقعه سیداحمد و سید اموالقاسم در مهرج شفت

بخش یازدهم

۱ - جغرافیای تاریخی تولم

بخش تولم در شمال غربی شهر رشت است از شمال به مرداب انزلی، از غرب و جنوب به فومن، از جنوب شرقی و مشرق به موازی محدود می‌شود. طول آن از شرق به غرب، سیزده کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب نه کیلومتر است. دشتی است هموار، شامل جنگل و شالیزار و رودخانه‌های متعددی که سرچشمه آنها در کوهستان فومن و شفت است، از میان آن می‌گذرد.

صاحب مسالك الابصار می‌نویسد که سلطان تولم بر سلطان فومن، برتری و تسلط دارد. هرار سوار دارد که شجاعترین سران گیلان هستند. سرانانش در مقابل مغولان ایستادگی کردند و ایشان را شکست دادند و به همین جهت قدرت و تسلط او بیشتر شد.

از سال هفتصد و شصت و نه قمری، تولم جزئی از خاک فومن شد. اما علت تعیین این تقسیم بندی بر ما روشن نیست.

عبدالفتاح حاصل يك ساله شیلات تولم را در سال ۹۹۴ قمری مبلغ چهارصد تومان نوشته است. این مبلغ را علی بیك سلطان، به امیره حمزه و پسران او سند داده بود. (۱)

در زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) مرکز مهم تولم، هندخاله بود و خود این ناحیه جزء رشت به حساب می‌آمد. حاکم محلی این ناحیه، سردار معتمد رشتی بود که در این تاریخ نزرگترین مالک این نواحی بوده است. هندخاله در این زمان، در حدود دو بیست خانوار جمعیت داشت و به سه محله تقسیم می‌شد: ۱ - باین محله

یا مازندران محله . ۲ - میان محله که دارای دو قسمت، یعنی سادات محله و شیخ محله بوده است. ۳ - صوفیان ده (۱)

تقریباً تمام جمعیت تولم، در طاعون سال ۱۲۴۶ قمری، از میان رفت. از زلایه یحان و مازندران و نواحی تالش نشین، عده‌ای را بدینجا کوچاندند. جمعیت این بخش در زمان رابینو نسبتاً زیاد بود. اینان اولاد و احفاد کسانی بودند که بدینجا آورده بودند. لِهجهٔ ایشان، دهکده به دهکده فرق می‌کند و با گیلکی مواری و قوم اختلاف دارد.

جمعه بازار تولم، در هفده کیلومتری غرب رشت، بر سر راه رشت به کسما، بر کنارهٔ راست پیش رودبار، برپا می‌شود. محل بازار، زمین وسیعی است که به خاک فومن تعلق دارد. بازارهای دیگر تولم در سیاه درویشان و همدخاله است، اما رورمعین و ثانی نداشتند (۲)

۲ - بناها و آثار تاریخی تولم

در بخش تولم تاحائی که نگارنده مطالعه و بررسی کرد، بناهای تاریخی و آثار قابل دگری ندارد. رابینو و پهرستی از امامزاده‌ها و مزارهای این ناحیه تنظیم کرده است. اما پس از بازدید از محل، معلوم شد بیشتر آنها، درختان حکامی کهنسال هستند.

مسجد آقا پیله قرآن

در صیقلان تولم

در این مسجد گالی پوش قدیمی قرآنی با ارزش و نسبتاً قدیمی است که مردم بد زیارت آن می‌روند. متولی این قرآن را به حائنه خود منتقل کرده است. رابینو نیز دگری از این قرآن کرده است (۳)

صفحات اول و آخر این قرآن افتاده و سایر اوراق آن، بر اثر به هم خوردن شیراره پس و پیش و مشوش است. در سر سوره‌ها، نام سوره‌ها با کوفی رنگین

(۱) گیلان رابینو ص ۱۹۲ (۲) گیلان رابینو ص ۱۹۳ (۳) گیلان رابینو ص ۱۹۶